اشتغال؛ آثار تربيتي و روان‏شناختي

علي‏احمد پناهي

(دانش‏آموخته حوزه علميه و كارشناس ارشد روان‏شناسي باليني)

چكيده

اشتغال و داشتن حرفه و شغل مناسب از جمله مسائلي است كه براي انسان‏ها اهميت زيادي دارد. شغل و حرفه در رابطه با جوانان از اهميتي دو چندان برخوردار است. شغل و حرفه مناسب علاوه بر تأمين نيازمندي‏هاي اقتصادي، آثار تربيتي، روان‏شناختي، اجتماعي و معنوي نيز دارد. در اين مقاله، سعي گرديده است به مباحثي همچون اهميت كار و اشتغال، مفهوم‏شناسي ديني كار و اشتغال، انواع كار از ديدگاه ارزشي، كارهاي حلال و حرام، آداب و شرايط كار، آثار روان‏شناختي كار، آثار معنوي كار، آثار اقتصادي كار و آثار اجتماعي كار پرداخته شود. همچنين تلاش شده است مباحث مزبور با استفاده از آموزه‏هاي ديني و اسلامي و روان‏شناختي مورد بحث و بررسي قرار گيرد.

كليدواژه‏ها: اشتغال، كار، ارزش، تعليم و تربيت، حلال، حرام، نيّت، آثار تربيتي، آثار روان‏شناختي.

مقدّمه

انسان از دو بعد مادي و معنوي «جسم و جان» تركيب يافته و هر يك از اين دو بعد براي رشد و بالندگي به تقويت، انرژي و تغذيه سالم نيازمند است. خداي متعال، كه جهان هستي را خلق كرده و انسان را به عنوان گل سر سبد مخلوقات خود معرفي نموده، طبيعت را مسخّر او ساخته و ابزار، وسايل و امكانات مورد نياز را در اختيار او قرار داده است. انسان مي‏تواند در سايه تدبير، تعقّل و تلاش، از مواهب الهي استفاده كند و زمينه رشد و تعالي مادي و معنوي خود را فراهم سازد. اشتغال و كار از مسائلي است كه براي پيمودن راه‏هاي ترقّي مادي و معنوي، نقشي بنيادين دارد و كار براي ادامه زندگي و بقاي جامعه ضرورتي اجتناب‏ناپذير است. زندگي هركس به واسطه كار كردن تأمين و اداره مي‏شود و خودكفايي هر جامعه‏اي به ميزان و نوع عملكرد شاغلان آن جامعه بستگي دارد. علاوه بر اينها، كار موجب شادابي و نشاط انسان شده، بيكاري موجب فقر، افسردگي، فساد و سرخوردگي اجتماعي مي‏گردد. اهميت كار در سنين جواني دو چندان است و آثار و ثمرات آن براي نسل جوان ارزش زيادي دارد.

اين مقاله تلاش كرده است تا به بحث‏ها و موضوعاتي، كه از اهميت زيادي برخوردارند، بپردازد و به مباحث مربوط به اشتغال، به ويژه رابطه آن با جوانان، توجه جدّي داشته باشد.

كار و اهميت آن

كار و تلاش در زندگي انسان از اهميت زيادي برخوردار است و در رابطه با نوجوانان و جوانان اين اهميت مضاعف مي‏شود. تلاش و كوشش در سنين نوجواني و جواني، موفقيت و كام‏يابي در آينده را به دنبال دارد. بدون

ترديد، يكي از آفات بزرگ نوجواني و جواني، تنبلي، سستي و بيكاري است. بيكاري و تنبلي جوان را از درون تهي مي‏سازند و روان او را افسرده مي‏كنند و موجب مي‏شوند تا جوان خود را بي‏فايده، كم‏ارزش و بي‏عرضه تلقّي كند و گرفتار خود كم‏بيني و كاهش اعتماد به نفس1 و كاهش عزّت نفس2 گردد.

يكي از روان‏شناسان معاصر و صاحب‏نظر در مسائل بهداشت رواني، مي‏گويد:

بررسي‏ها نشان داده است كه كار از روي رغبت و علاقه، باعث نوعي اعتماد به نفس و آرامش رواني است.3

موريس روزنبرگ (Maurice Rosenberg)، يكي از روان‏شناسان، خاطرنشان مي‏كند كه از يكي از مهم‏ترين عوامل تعيين‏كننده رشد اعتماد به نفس و شخصيت نوجوان و جوان اين است كه تا چه حدّي با ديگران و محيط اجتماعي تعامل دارد و چه مقدار از محبوبيت برخودار است.4 نوجوان و جواني، كه داراي شغل و حرفه است، از مقبوليت و محبوبيت بيشتري برخوردار بوده، اعتماد به نفس بالايي دارد.

رهاورد روحيه كار و تلاش در يك جامعه و يك خانواده، اقتصاد سالم و قوي آن جامعه و خانواده است، و بعكس روحيه راحت‏طلبي و سستي، بيماري اقتصادي هر جامعه‏اي را سبب خواهد شد. كار نقش سازنده و تربيت‏كننده‏اي دارد و به اعتقاد استاد مطهّري، كار از عوامل تربيت‏كننده انسان است.5

ارتباط انسان و كار، ارتباطي متقابل بوده و ضمن اينكه انسان آفريننده كار و فعاليت خود است، نوع كار و انجام آن در هر مرحله، به او نشاط مضاعف مي‏بخشد و در او عزّت و بزرگي را تقويت مي‏كند و تصور مي‏نمايد فردي ارزشمند و مفيد براي جامعه است و مي‏تواند مسئوليتي را به نحو مطلوب انجام دهد.

زندگي مردان پيروز شهادت مي‏دهد كه همگي در سايه كار و تلاش به عظمت و ناموري نايل آمده‏اند و اين‏همه صنايع شگفت‏انگيز، اختراعات و اكتشافات كم‏نظير، نتيجه كوشش‏هاي خستگي‏ناپذير آنان است. حقيقت اين است كه بسياري از آنها نابغه نبوده‏اند، بلكه در سايه كار و كوشش، استقامت و تلاش، به توفيقات سترگي دست يافته‏اند. الكساندر هاميلتون، يكي از نوابغ دنيا، مي‏گويد:

مردم مي‏گويند تو نابغه هستي، ولي من از نبوغ خودم خبر ندارم و فقط مي‏دانم كه شخص زحمت‏كش و پركاري هستم.6

نيوتن مي‏گويد:

اگر من به جايي رسيده‏ام و عظمتي كسب كرده‏ام، بر اثر كار و كوشش بوده است.

بزرگمهر هم درباره كار و اشتغال چنين نگاشته است:

بايد لب فرو بست و بازو گشود و كار كرد و مي‏بايست يقين داشت كه كليد طلايي كام‏يابي و پيشرفت در كار و كوشش است.7

در كتاب اخلاق ساموئل اسمايلز چنين آمده است:

بعد از ديانت و معنويت، مدرسه‏اي براي تربيت انسان بهتر از مدرسه كار و تلاش ساخته نشده است.8

در اين‏كتاب‏همچنين‏از بنيامين فرانكين نقل‏كرده‏است:

عروس زندگي انسان كار و تلاش است و اگر شما بتوانيد داماد اين عروس بشويد (يعني صاحب كار باشيد) فرزند شما «سعادت و شادكامي» نام خواهد داشت.9

سقراط مي‏گويد:

كار سرمايه سعادت و نيك‏بختي است.10

پيشوايان ديني همواره كار و كوشش را عبادت خوانده و آن را مايه بزرگي و سربلندي دانسته‏اند. در اشعاري كه منسوب به ابرمرد عرصه زهد و سازندگي، حضرت علي عليه‏السلام است، چنين آمده:

لنقل الصّخر من قللِ الجِبالِاَحبَّ اِلي مِن منن الرّجالِ

يَقولُ النّاسُ: في الكسب عارفَاِنّ العارَ في ذُلّ السئوالَ.11

(ترجمه:) براي من سنگ‏كشي از قلّه‏هاي كوه آسان‏تر از اين است كه منّت ديگران را به دوش بكشم. به من مي‏گويند: در كسب و كار ننگ است، ولي من مي‏گويم: ننگ اين است كه انسان از ديگران درخواست كند و نيازمند آنان باشد.

گر كوه زجاي خود به ناخن بكنيزان به كه كشي منّت هر دون دني

از كسب حلال، نان خود پيدا كنتا فضل خدا كند تو را زود غني.

در اين اشعار بلند و پر محتوا، حضرت علي عليه‏السلام كار و تلاش را مايه بي‏نيازي از مردم و مايه سربلندي معرفي نموده و دليل اين امر آن است كه بيكار به فقر گرفتار مي‏شود و در نتيجه، نيازمند ديگران شده، آبرو و اعتبارش كم مي‏گردد. در روايتي كه از محضر نوراني امام صادق عليه‏السلامنقل شده، چنين آمده است: روزي امام صادق عليه‏السلامبه يكي از خدمت‏كاران خود فرمودند: عزّت و ارزشمندي خود را حفظ كن. خدمت‏كار سؤال كرد: فدايت شوم! عزّت من چيست؟ حضرت فرمودند: عزّت و اقتدار تو در اين است كه صبح زود به دنبال كار و تلاش بروي و احترام خود را حفظ كني.12

مفهوم‏شناسي ديني كار و اشتغال

مفهوم كار و اشتغال از نگاه درون ديني و بر اساس آموزه‏هاي اسلامي، با مفهوم آن از نگاه برون ديني، تفاوت اساسي و مبنايي دارد و در نگاه ديني، كار و فعاليت، بايد در چارچوب خاص و شرايط ويژه انجام گيرد. در فرهنگ غربي، به هر فعاليتي كه موجب كسب درآمد و ثروت باشد «كار و اشتغال» گفته مي‏شود؛ مثلاً، حتي كارهايي مثل روسپيگري، رباخواري، احتكار، كم‏فروشي، خريد و فروش نوارها و محصولات سكس و مانند آن از مصاديق اشتغال به شمار مي‏آيند و درآمد حاصل از آنها مشروع به حساب مي‏آيد. اما در فرهنگ ديني و اسلامي، انسان مجاز نيست از هر روشي كسب درآمد كند و اشتغال بايد با بايدها و نبايدهاي اخلاقي و نظام ارزشي دين اسلام سازگاري داشته باشد. يك مسلمان حق ندارد از طريق احتكار، كم‏فروشي، رباخواري، خودفروشي، ترويج سكس و ابتذال، سحر و جادو، و ده‏ها كار ديگر، كه در اسلام جايز نيستند، كسب درآمد و ثروت كند.

رسول اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آله مي‏فرمايند: هر كس مالي از راه غير حلال به‏دست‏آورد، بازگشتش‏ به‏ سوي‏ آتش‏ خواهد بود.13

در روايتي ديگر فرمودند: خداوند متعال فرموده است: هر كس توجه نكند و در كسب دينار و درهم لاابالي‏گري كند، در روز قيامت از هر دري بخواهم او را وارد جهنم و آتش مي‏سازم.14

در اين دو روايت نوراني، به صورت آشكار، از به دست آوردن مال و ثروت از راه‏هايي كه اسلام، آنها را حرام دانسته منع شده و به كساني كه به كار حرام و جمع ثروت‏نامشروع‏اقدام مي‏كنند، وعده عذاب داده شده است.

اشتغال و كار در بينش ديني و اسلامي، نه تنها بايد از راه حلال و مشروع باشد، بلكه بايد با كرامت و ارزش‏هاي انساني هم منافات نداشته باشد و انسان بايد به كارهايي اقدام كند كه كرامت و ارزش انساني او را خدشه‏دار نمي‏سازند و حتي شغل و حرفه بايد با شأن اجتماعي افراد تناسب داشته باشد. انسان‏هاي مؤمن و كساني كه جايگاه اجتماعي دارند نبايد به كارهاي پست و كم‏ارزش اقدام كنند؛ مثلاً، يك روحاني يا تحصيل‏كرده و يا ديندار، كه وجهه اجتماعي دارند، نبايد به كارهاي كاذب بپردازند.

بر اساس آموزه‏هاي ديني، مسلمان مجاز نيست به تجارت و شغلي اقدام كند كه به نوعي همكاري در گناه يا ظلم و يا تضعيف مسلمانان به شمار مي‏آيد؛ مثلاً، باغدار حق ندارد به كسي كه شراب‏سازي مي‏كند انگور بفروشد، يا مثلاً، كسي مواد مخدّر در اختيار ديگران قرار دهد و بگويد: من تجارت مي‏كنم و كاري با نتيجه‏اش ندارم.

انواع كارهاي حلال از ديدگاه ارزشي

از نگاه ارزشي و ديني، كارها را مي‏توان به دو دسته كلي تقسيم‏بندي كرد؛ كارهايي كه با پيشرفت معنوي و تعالي انسان سازگاري و همخواني دارند و كارهايي كه با ترقّي معنوي و تعالي انسان ناسازگاري و يا بي‏ربط هستند.

كارها و فعاليت‏هاي سازگار و موافق با پيشرفت معنوي و تعالي انسان آن دسته از فعاليت‏ها و تلاش‏هايي هستند كه به صورت مستقيم يا غيرمستقيم، در ترقّي معنوي و بالندگي روحي انسان نقش دارند و موجب مي‏شوند تا انسان علاوه بر تأمين مخارج زندگي و پيشرفت مادي، به تكامل معنوي و پويايي روحي نيز نيل پيدا كند. در ادامه، به مواردي از تلاش‏ها و فعاليت‏هايي اشاره مي‏گردد كه علاوه بر تأمين اقتصادي، با پيشرفت معنوي ارتباط دارند:

الف. تعليم و تربيت

تلاش در عرصه تعليم و تربيت و هدايت انسان‏هاي محروم از دانش و معرفت، يكي از فعاليت‏هاي ارزشمند است. معلّمي در طول تاريخ، همواره از قداست و ارزش والايي برخودار بوده است؛ زيرا تعليم و تربيت موجب كمال معنوي و مادي انسان مي‏شود و او را به سمت پويايي و پيشرفت سوق مي‏دهد و زندگي آبرومند و ارزشمندي را كه در سايه دانش و معرفت به وجود مي‏آيد، نصيب انسان مي‏سازد.

كسي كه در كسوت معلمي و استادي قدم مي‏گذارد، در گستره ميدان كاري پيامبران وارد شده و تلاش‏هايش از قداست و ارزشمندي ويژه‏اي برخوردار مي‏باشد. او اگر تلاش خود را با قصد و نيّت پاك انجام دهد و محصولات عرضه شده نيز معارف بلند الهي باشند، به درجات بلندي از كمالات نايل مي‏شود؛ زيرا نتيجه تلاش او، نورانيت و كسب حكمت، دانش، و نجات از جهل و ظلمت است. خداوند متعال در قرآن كريم مي‏فرمايد: او كسي است كه در ميان جمعيت درس نخوانده و بي‏سواد، رسولي از خودشان برانگيخت تا آياتش را بر آنان بخواند و پاكشان كند و كتاب و حكمت به آنان بياموزد. (جمعه: 2)

معلم نيز همين رسالت و وظيفه را دارد و بايد در شاگردان خود، حكمت، دانش، معرفت، انسانيت، بندگي خدا و كمالات اخلاقي و سلوكي را پي‏ريزي و شكوفا سازد. در آموزه‏هاي ديني، قدر و منزلتي بس بلند براي علم و عالم در نظر گرفته شده و پاداشي گران‏قدر براي آنان مقدّر شده است، به ويژه براي عالمان ديني و كساني كه مردم را به سوي بندگي خدا و رعايت حدود و دستورات الهي دعوت مي‏كنند.

امام صادق عليه‏السلام مي‏فرمايند: براي معلّمي كه شاگردان را به خير و صلاح دعوت مي‏كند، تمام جنبندگان زمين و ماهي‏هاي دريا و هر شي‏ء كوچك، كه در زمين و آسمان وجود دارد، طلب استغفار و رحمت الهي مي‏كنند.15

پيامبر گرامي صلي‏الله‏عليه‏و‏آله مي‏فرمايند: سه گروه در قيامت از گنه‏كاران شفاعت مي‏كنند و خداوند نيز شفاعتشان را مي‏پذيرد: انبيا، سپس علماي دين و سپس شهدا.16 در روايتي ديگر، حضرت فرمودند: يا علي! خواب عالم از عبادت عابد برتر است، و يك ركعت نماز فرد دانشمند از هفتاد ركعت نماز عابد با فضيلت‏تر است.17

محور اين سه روايت و روايات متعددي كه درباره مقام عالم وجود دارند منزلت و شأن والاي استاد و ارزشمندي اوست و البته تمام اين منزلت‏ها به خاطر هدايت بندگان به سوي ارزش‏هاي ديني و احكام الهي و ملتزم شدن خود او نيز به اين دستورات است و اگر در علم هدايتگري و ايجاد پرهيزگاري نباشد و تنها يك سلسله اطلاعات بي‏روح باشد، نه تنها ارزشي ندارد، بلكه موجب سقوط انسان مي‏گردد.

ب. تجارت

تجارت و خريد و فروش كالاها و خدمات از جمله فعاليت‏ها و كارهايي است كه از ساليان دور و بلكه از زمان تشكيل زندگي جمعي و اجتماعي، در ميان انسان‏ها رونق گرفته و امروزه به صورتي پيشرفته و جهاني درآمده است. كارهاي تجاري يكي از قطب‏هاي اقتصادي دنيا محسوب مي‏شوند و افراد زيادي را به خود مشغول كرده، منشأ رزق و درآمد اقتصادي آنان شده‏اند.

در بينش اسلامي و آموزه‏هاي ديني، تجارت از جايگاه رفيع و ارزشمندي برخوردار است و به اين شغل و حرفه سفارش زيادي شده و از جمله كارهاي پربركت به شمار آمده است. امام صادق عليه‏السلاممي‏فرمايند: پدرم اميرالمؤمنين عليه‏السلام فرمود: اي مردم! تجارت كنيد تا خداوند به شما بركت عنايت كند. من از پيامبر صلي‏الله‏عليه‏و‏آلهشنيدم كه مي‏فرمود: رزق و روزي ده جزء دارد؛ نه جزء آن در تجارت است و يك جزء آن در كارهاي ديگر.18 و در روايتي، حضرت‏علي عليه‏السلامفرمودند:به‏تجارت روي آوريد؛ زيرا تجارت موجب بي‏نيازي شما از ديگران مي‏شود.19

تجارت و خريد و فروش موجب رونق اقتصادي خانواده و جامعه مي‏گردد و وجود امكانات مادي در اجتماع، اگر خوب مديريت شود موجب پيشرفت بيشتر در زمينه‏هاي علمي، معنوي، بهداشتي و ديني مي‏گردد. در انديشه ديني و اسلامي و قوانين الهي، تجارت نيز مثل مسائل ديگر، داراي ضوابط و حدود ويژه خود است و در منطق اسلامي و دستورات ديني، انسان نمي‏تواند به هر تجارتي اقدام كند و بايد خريد و فروش او در چارچوب قوانين الهي باشد و شرع مقدّس براي آن احكامي قرار داده است تا انسان‏ها به حرام و معصيت گرفتار نشوند. البته پرواضح است كه دستورات ديني طوري تنظيم شده‏اند كه مصلحت دنيوي و اخروي انسان‏ها را تأمين كنند و آنها را از ناپاكي و فساد و انحراف محافظت نمايند.

در قرآن كريم، درباره اوصاف مؤمنان و بندگان شايسته خداوند، چنين آمده است: مرداني كه تجارت و داد و ستد، آنان را از ياد خدا غافل نمي‏كند.20 در دستورات ديني و فقهي اسلام نيز توصيه مؤكّد شده است كه مسلمانان بايد پيش از تجارت و داد و ستد، به احكام شرعي آن از قبيل شرايط فروشنده و خريدار، شرايط كالا، كيفيت معامله، معاملات حرام، معاملات جايز، معاملات مكروه و مباحث ربا آشنا گردند.

حضرت علي عليه‏السلام در اين‏باره با سه بار تأكيد مي‏فرمايند: اي گروه بازرگانان! ابتدا مسائل شرعي داد و ستد را بياموزيد، سپس تجارت‏كنيد!21 تأكيد حضرت دليل بر اهميت و جايگاه خاص مسائل شرعي در تجارت است؛ زيرا بدون اطلاع و آگاهي از مسائل شرعي، احتمال فرو رفتن در معاملات حرام و باطل زياد است. تاجري كه با آگاهي از مسائل شرعي، به تجارت و داد و ستد مي‏پردازد و اخلاق ديني را در معاملات رعايت مي‏كند، علاوه بر اينكه به معصيت مبتلا نمي‏شود و علاوه بر اينكه تجارتش از بركت و خير برخوردار است، به ثواب و اجر اخروي هم مي‏رسد و نزد خداوند مقامي بلند پيدا مي‏كند.

امام صادق عليه‏السلاممي‏فرمايند: سه گروه بدون سؤال و جواب وارد بهشت مي‏شوند: رهبر عادل، تاجر راستگو و درست‏كردار، و پيرمردي كه عمرش را در اطاعت خدا گذرانده است.22

در روايتي ديگر از رسول گرامي صلي‏الله‏عليه‏و‏آله نقل شده است كه فرمودند: تاجر راستگو و امين با پيامبران و صدّيقين و شهدا محشور مي‏شود.23 و همچنين در روايتي فرمودند: اگر تجّار بر حدود معامله مواظبت نكنند و شرايط معامله را رعايت ننمايند و قسم دروغ بخورند و يا در داد و ستد دروغگو باشند، به فسق و فجور گرفتار شده‏اند و در روز قيامت، به عنوان فاجر و معصيت‏كار مشهور مي‏شوند.24

افرادي كه وارد عرصه‏هاي اقتصادي و داد و ستد مي‏شوند بايد مطالعات جدّي در اين رابطه داشته باشند، به ويژه جوانان كه هم اطلاعات كافي ندارند و هم تجربه كافي. بدان‏ها توصيه مي‏شود در اين زمينه به كتاب‏هاي فقهي مثل تحريرالوسيله حضرت امام خميني قدس‏سره و كتاب مكاسب و احكام معاملات مراجع معظّم تقليد مراجعه كنند.

ج. كشاورزي و باغ‏داري

حرفه كشاورزي و باغ‏داري از جمله كارهاي ارزشمند و مفيد است. كشاورزي و باغ‏داري از جمله شغل‏هاي اساسي و از اركان اقتصاد جامعه به شمار مي‏آيد. از طريق كشاورزي، احتياجات غذايي، پوشاكي و دارويي افراد جامعه تأمين مي‏شود. در دنياي امروز، كشورهايي داراي اقتدار هستند كه از لحاظ اقتصادي و سياسي قوي باشند. اگر كشوري از لحاظ اقتصادي قوي باشد كمتر در معرض تحريم و بي‏ثباتي قرار مي‏گيرد و يكي از عوامل قدرت اقتصادي، كشاورزي و توليدات غذايي است. كشوري كه از لحاظ خوراك و پوشاك تأمين باشد از ثبات و آرامش قابل قبولي برخوردار است و نگراني جدّي از تحريم‏ها و يا تهديدات دولت‏هاي خارجي ندارد.

كشاورزي و باغ‏داري در منظر اسلامي نيز از جايگاهي بلند و ارزشمند برخوردار است و كشاورزان از افراد شريف و صاحب منزلت به شمار مي‏آيند. امام صادق عليه‏السلامدرباره اهميت كشاورزي و عظمت كشاورزان مي‏فرمايند: كشاورزان گنج‏هاي خلايق و انسان‏ها هستند، چيزهاي پاكيزه كه خداوند آفريده كشت مي‏كنند. اينها در روز قيامت، از نظر مقام و منزلت بهترين انسان‏ها هستند.25

به راستي، اين كار چقدر پاكيزه و ارزشمند است كه هم محصولي پاك و حلال نصيب انسان مي‏كند و هم موجب رشد معنوي و رسيدن به كمالات اخروي مي‏گردد. در سيره عملي امامان معصوم عليهم‏السلام، بخصوص اميرالمؤمنين عليه‏السلام، مشاهده مي‏شود كه حضرت به كشاورزي علاقه زيادي داشتند و در دوران 25 ساله، كه به ظاهر از خلافت و رهبري به كنار بودند، بيشتر وقت خود را به كشاورزي و باغ‏داري و كارهاي مربوط به آن، مثل حفر چاه و قنات مي‏گذراندند. امام علي عليه‏السلامضمن اينكه كشاورزي پرتلاش بودند، براي كشاورزان و كشاورزي احترام خاصي قايل بودند.

حضرت در روايتي مي‏فرمايند: راه‏هايي كه مردم به كسب درآمد و ثروت مي‏پردازند پنج‏تايند: امور دولتي و اداري، آباداني و كشاورزي، تجارت، اجاره، و صدقات. اما كشاورزي، خداوند متعال فرموده: اوست كه شما را پديد آورد و به عمران و آباداني دعوت كرد. خداي متعال بدان رو انسان‏ها را به عمران و آباداني زمين دعوت كرده تا از بهترين راه، كه كشاورزي است، و از محصولات آن از قبيل غلات و حبوبات و ميوه‏ها، تأمين معاش نمايند.26 كشاورزي علاوه بر تأمين نيازمندي‏هاي غذايي و كسب كمالات معنوي، موجب آرامش روح و روان انسان‏هاست و در انسان‏ها اولاً، اين تصور را ايجاد مي‏كند كه آنها افرادي مفيد و سودمند براي جامعه هستند و نيازهاي مردم را تأمين كرده، به آنها خدمت‏رساني مي‏كنند؛ ثانيا، كار و تلاش در محيط سبز و خرّم و ارتباط با طبيعت و دشت، يكي از عوامل آرامش روان است و براي انسان‏ها طراوت و شادابي به ارمغان مي‏آورد.

امام صادق عليه‏السلام مي‏فرمايند: ده چيز موجد نشاط و شادابي و آرامش است: پياده‏روي، سواركاري، شنا، تفريح در سبزه‏زار... .27

د. دام‏داري

در اهميت و ارزشمندي دام‏داري، همين قدر كافي است كه حضرت موسي عليه‏السلام سال‏ها شباني و دام‏داري مي‏كرد و نبي مكرّم حضرت محمّد صلي‏الله‏عليه‏و‏آلهنيز بخشي از عمر شريف خود را به شباني و دام‏داري گذراند. دام‏داري يكي از شغل‏هاي بابركت و ارزشمند است، به گونه‏اي كه موجب شكوفايي اقتصاد خانواده و جامعه مي‏گردد و تقريبا تمام فراورده‏هاي دامي مورد استفاده بهينه قرار مي‏گيرد. براي مثال، گوشت، شير، پشم، پوست و حتي كود دام، مصرف خاص خود را داراست و هيچ‏يك هدر نمي‏رود. دام‏داري از شغل‏هايي است كه تقريبا تمام افراد خانواده را به همكاري و مشاركت مي‏طلبد و جلوي بيكاري آنان را سد مي‏كند. در طول تاريخ، سراغ نداريم خانواده‏اي را كه به دام‏داري مشغول باشد و گرفتار فقر گردد، بلكه تجربه نشان داده است كساني كه با دام و پرورش آن سرو كار دارند معمولاً از نظر اقتصادي، متمكّن و توانا هستند.

در بينش اسلامي، دام‏داري به عنوان شغلي با اهميت تلقّي شده و از لحاظ رتبه‏بندي، در مقام دوم پس از زراعت و كشاورزي قرار دارد. امام صادق عليه‏السلام مي‏فرمايند: از پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آلهسؤال شد: چه شغل و ثروتي بهتر است؟ حضرت در جواب فرمودند: زراعتي كه صاحبش به آن رسيدگي كند و هنگام برداشت، حق آن را (زكات آن را) ادا كند. سؤال شد و پس از زراعت، چه شغل و مالي بهتر است؟ حضرت فرمودند: اينكه انسان گوسفنداني داشته باشد و دنبال آن روانه گردد، نماز خود را به موقع بجا آورد و زكات آنها را بپردازد. پس از اينها، به گاوداري و باغ‏داري سفارش فرمودند.28

ه . پزشكي29

پزشك كسي است كه بيماري‏هاي جسمي و رواني افراد را درمان مي‏كند و آنان را از ناراحتي و درد نجات مي‏دهد و موجب تسكين و آرامش‏خاطر افراد شده، سلامتي جسمي، رواني و بهداشتي جامعه را تأمين مي‏كند. پزشكي از شغل‏هاي ضروري در جامعه است كه در بعضي مواقع، ضرورت آن به حدّ وجوب و لزوم مي‏رسد و در آن صورت، بايد عده‏اي به اجبار به دنبال اين حرفه بروند و مشكلات درماني جامعه را حل كنند. حرفه پزشكي در آموزه‏هاي اسلام، مورد توجه قرار گرفته و از حرفه‏هاي با اهميت تلقّي گرديده است.

در روايتي، پيامبر گرامي صلي‏الله‏عليه‏و‏آلهمي‏فرمايند: علم دو نوع است: علم دين و علم بدن.30

در روايتي ديگر، امام صادق عليه‏السلاممي‏فرمايند: اهل هيچ سرزميني از وجود سه طايفه، كه در كار دنيا و آخرتشان به آنان پناه برده مي‏شود، بي‏نياز نيستند، و اگر آنها را نداشته باشند بي‏بهره و سرگردان مي‏شوند: فقيه دانشمند و پرهيزگار، زمامدار نيكوكار و مطاع، و پزشك ماهر مورد اعتماد.31

پزشكي گرچه شغلي است كه بيشتر به دردها و مشكلات مادي و بيماري‏هاي بدني افراد مي‏پردازد، ولي اگر پزشك كارش را با اخلاص و رضاي الهي انجام دهد و هدفش خدمت به نيازمندان و بندگان خدا باشد، از اجر و پاداش عظيم برخوردار است و علاوه بر كسب معاش زندگي، به كمال عالي معنوي نيز نايل مي‏گردد.

و. كارگري و كارمندي

وسعت مفهوم «كارگري و كارمندي» به وسعت مفهوم «كار» است؛ زيرا هر جا كار وجود دارد، كارگر نيز هست و در تمام مشاغل، كارگري حضور دارد. كارگر و كارمند در تمام عرصه‏هاي تلاش، سازندگي، توليد، خدمات‏رساني و امور اجتماعي حضوري فعّال داشته و اين قشر جامعه بيشترين زحمت‏ها را متحمّل مي‏شوند. كارگر و كارمند اگرچه در تقسيم‏بندي طبقات اشتغال، در سطح متوسط و پايين قرار دارد، ولي تلاش و فعاليت آنها در جهت تأمين نيازمندي‏هاي خانواده و اجتماع نوعي عبادت به شمار آمده، پاداشي عظيم درپي دارد.

پيامبر گرامي صلي‏الله‏عليه‏و‏آله در اين‏باره مي‏فرمايند: هر كس از طريق كار و تلاش روزي بخورد و در طلب رزق حلال باشد، خداوند به او نظر رحمت مي‏كند.32

در روايتي ديگر فرمودند: هر كسي از طريق حرام و از طريق كارهاي نامشروع، كسب روزي كند جايگاهش آتش است.33

از اين دو روايت، كه هر دو از انساني وارسته و كامل نقل شده‏اند، استفاده مي‏شود كه كارگري و تلاش در تمام انواع آن، اگر در جهت كسب رزق حلال باشد، بسيار ارزشمند و مبارك است و ثوابي بزرگ بدان داده مي‏شود. ولي اگر تلاش و فعاليت انسان در مسير نادرست و كارهاي ناپسند و راه‏هاي حرام باشد، ثروت و درآمدي كه كسب مي‏كند، حرام بوده، موجب عذاب و عقوبت الهي مي‏شود و در زندگي مادي هم نمي‏تواند موفق باشد و ايشان اگرچه در ظاهر ثروتي جمع كند، ولي نمي‏تواند از آن بهره كافي ببرد.

كارهاي حرام

خداوند حكيم و توانا امكانات مادي زيادي بر روي زمين خلق نموده تا انسان‏ها بر اساس سليقه و توانايي خود، هر كدام دنبال شغل و حرفه‏اي بروند و با تلاش خود، زمين را آباد كنند و از امكانات خدادادي، استفاده مطلوب و بهينه ببرند. اگرچه انسان‏ها در انتخاب شغل، داراي اختيار هستند و مي‏توانند هر حرفه‏اي را كه به آن علاقه دارند و شرايط آن نيز فراهم است دنبال كنند، اما از انجام بعضي كارها، كه با تكامل معنوي و روحي‏شان سازگاري ندارد و در واقع، به ضررشان تمام مي‏شود، منع شده‏اند. در طبيعت، كارهايي وجود دارند كه انجامشان از سوي خداوند متعال و شرع مقدّس، ممنوع اعلام شده و به عنوان كارهاي حرام مطرح شده‏اند. اين‏گونه كارها به گونه‏اي هستند كه علاوه بر ضرر و زيان اجتماعي، فرهنگي و خانوادگي، موجب سقوط معنوي و دوري از ارزش‏هاي الهي و انساني مي‏شوند. زمينه‏هايي كه بر روي كره زمين براي اشتغال انسان‏ها وجود دارند، همگي در يك مرتبه نيستند، بلكه بعضي از آنها از كارهاي جايز و حتي واجب بوده و انجامشان نه تنها گناه ندارد، بلكه ثواب هم دارد، و بعضي از كارها ممنوع و حرام است و اگر كسي آنها را انجام دهد علاوه بر گرفتاري دنيوي، دچار عذاب و عقوبت الهي مي‏شود. كارهاي جايز و واجب نيز هر كدام در مرتبه ويژه خود هستند و بعضي از آنها اولويت درجه يك دارند و بعضي در اولويت‏هاي بعدي و هر كدام بر اساس مرتبه‏اي كه دارند، داراي ارزش و ثواب معنوي خاص خود هستند. كارهاي حرام هم مثل كارهاي جايز، داراي مراتب متعدد هستند و بعضي از آنها از گناهان كبيره به شمار مي‏آيند و بعضي از آنها صغيره (كوچك).

در ادامه، به بعضي از كارهاي حرام و شغل‏هاي ممنوع اشاره مي‏شود. توجه به اين نكته لازم است كه هر كاري در شرع مقدّس اسلام (قرآن كريم و روايات امامان معصوم عليهم‏السلام) نهي و منع شده، حرام است و اگر كسي مرتكب آن شود گرفتار عذاب و عقوبت دردناك پروردگار مي‏گردد. شغل‏هايي كه در قرآن كريم و همچنين در فرمايش‏هاي امامان معصوم عليهم‏السلام نهي نشده‏اند، از كارهاي حلال و پاك به حساب مي‏آيند و انجام آنها با قصد قربت، باعث ثواب و پاداش است.

الف. معاملات ربوي: هر معامله و تجارتي كه در آن ربا وجود داشته باشد حرام است و گناه بزرگي به حساب مي‏آيد و در قرآن كريم و روايات معصومان عليهم‏السلام، براي انجام آن وعده عذاب دردناك داده شده است.

ب. معاملات تقلّبي: هر تجارتي كه در آن گول زدن ديگران و ـ به اصطلاح ـ «كلاه گذاشتن سر ديگران» و به نحوي اغفال ديگران در كار باشد، حرام و باطل است؛ مثلاً، اگر يك ماشين يك ميليوني را به دو ميليون بفروشد، اين معامله باطل و حرام است و يا اگر كالاهاي بدلي را به جاي كالاي اصلي بفروشند.

ج. جادوگري و سحر: كساني كه جادوگري و مردم‏فريبي را به عنوان شغل و منبع درآمد انتخاب كرده‏اند و از اين طريق روزي مي‏خورند، كار و درآمدشان حرام است و در معصيت و نافرماني الهي قرار دارند و عذابي دردناك در انتظارشان است، مگر اينكه توبه كنند و گذشته خود را جبران نمايند. امام صادق عليه‏السلام در اين زمينه مي‏فرمايند: جادوگر و ساحر مورد لعن و غضب خدايند و زن خواننده و كسي كه به او مسكن و منزل مي‏دهد و كسي كه از درآمد او مي‏خورد، ملعون است. جادوگر مانند كافر است و كافر هم جايگاهش آتش است.34

د. غنا و خوانندگي: اشتغال به موسيقي مبتذل، گوش دادن به آن، و خريد و فروش نوار و آلات موسيقي حرام است.35 به دست آوردن ثروت و درآمد از طريق موسيقي، علاوه بر اينكه كاري مذموم و حرام به شمار مي‏آيد، شغل قرار دادن آن نيز مذموم و حرام است و كسي كه چنين كند و موجب انحراف شود، هم خودش و هم كساني كه از شغل او بهره مي‏برند در معيصت خداوند هستند.

ه . معاونت ظالم: انجام كارهايي كه به نحوي كمك و ياري ستمگران باشد.

و. معامله ابزارگم‏راهي: خريد و فروش كتاب و يا هر ابزار گم‏راه‏كننده؛ مثل ‏مجلات ‏و كتاب‏ها، عكس‏ها و نوارهاي ‏مبتذل.

ز. شعبده بازي: چشم‏بندي و انجام اعمالي كه موجب غيرواقعي نشان دادن برخي كارها به جاي كار واقعي است.

آداب كار و زمان آن

منظور از «آداب كار»، مسائلي است كه به نوعي با ارتقاي كيفيت كار، بهداشت رواني كار، زمان مطلوب كار، مقدار كار و نكات اخلاقي كار ارتباط دارند:

الف. نيّت خالص

اگر كار و تلاش با نيّت و انگيزه پاك الهي انجام شود علاوه بر اينكه موجب آرامش روحي انسان مي‏گردد، رضايت و خشنودي الهي را هم در پي خواهد داشت. نيّت خالص به هر عملي رنگ و جلوه ويژه‏اي مي‏بخشد و آن كار را نوراني و با بركت مي‏كند، اگرچه انسان‏ها به طور عمده، براي به دست آوردن پول و روزي تلاش مي‏كنند، ولي مي‏توان همين تلاش‏ها را با قصد و نيّت الهي انجام داد و در دل اين هدف را داشت كه خدايا! قصد و نيّت من كسب روزي حلال و تأمين نيازهاي زندگي و به دست آوردن توان كافي براي اطاعت و بندگي تو و خدمت به انسان‏هاست و مي‏خواهم از طريق كار و تلاش، جامعه اسلامي خودم را آباد و بالنده گردانم.

اگر يك معلم يا يك كشاورز يا هر كس ديگر در فعاليت‏هاي خود، نيّت خالص و پاكي داشته باشد علاوه بر اينكه كارش از بركات الهي برخوردار مي‏شود، از كار خود لذت مي‏برد و احساس خشنودي مي‏كند و افراد جامعه نيز از او نفع بيشتري مي‏برند، و اين كار و تلاش او در چشم بندگان خدا، جلوه‏گري بيشتري پيدا مي‏كند؛ زيرا دل‏ها به دست خدا هستند و اگر كاري با اخلاص انجام شود، ثمره‏اش دو چندان مي‏گردد.

امام صادق عليه‏السلام درباره فوايد نيّت پاك و اثرات آن مي‏فرمايد: هر كس كار اندك خود را به خاطر رضايت الهي انجام دهد، خداوند آن را بيش از آنچه خواسته است، در چشم ديگران جلوه مي‏دهد؛ و هر كس از كار بسيار خود، هدفي غير خدايي و نيّتي ناپاك داشته باشد و به جاي جلب رضايت خدا، به فكر رضايت ديگران باشد، خداوند كار زيادش را در نظر مردم، كم جلوه مي‏دهد.36

نيّت خالص همچنين موجب رضايت خاطر و لذّت دروني در انجام‏دهنده آن كار مي‏شود و رضالت به وجود آمده در سايه كار، در اعمال و رفتارهاي ديگر نيز تأثيري مثبت دارد.

ب. دورانديشي

دورانديشي در كارها بدين معناست كه انسان پيش از انجام هر كاري جوانب آن را مورد توجه و دقت قرار دهد و درباره نتايج آن، انديشه و فكر نموده و ضرر و زيان احتمالي آن را بررسي و تحليل كند. اقدام به كارها بدون آمادگي ـ اگرچه اجمالي ـ چه بسا مايه پشيماني و افسوس فراوان گردد. حضرت اميرالمؤمنين علي عليه‏السلامدرباره دورانديشي و تفكّر در كارها مي‏فرمايند: دورانديشي و انديشه پيش از هر كاري تو را از پشيماني و حسرت بازمي‏دارد.37

روزي شخصي به محضر حضرت‏محمّد عليه‏السلامشرفياب شد و عرض كرد: يا رسول‏اللّه! به من توصيه‏اي و نصيحتي بفرماييد. پيامبر عليه‏السلامفرمودند: آيا به سفارش من عمل مي‏كني؟ آن شخص سه مرتبه گفت: بله يا رسول اللّه! حضرت فرمودند: وقتي خواستي به كاري اقدام كني درباره عاقبت آن انديشه كن! اگر به نفع تو بود اقدام كن و اگر در آن زشتي و ضرري بود دست بكش.38

به راستي، چقدر درباره عاقبت كارها و تصميم‏هايي كه مي‏گيريم انديشه مي‏كنيم؟ آيا كاري بوده است كه پس از انجام آن پشيمان شويم؟ و آيا توجه كرده‏ايم كه چند دقيقه فكر و انديشه درباره نتيجه بعضي از كارها، چقدر سودمند است؟ اگر دقت كنيم و قدري با خودمان روراست باشيم متوجه خواهيم شد كه بسياري از كارهاي ما از روي فكر و انديشه صحيح نيستند و از اين‏رو، چه بسا به خاطر انجام آنها، خودمان را سرزنش مي‏كنيم و چه بسا بعضي مواقع فرصت جبران آن را نيز نداشته باشيم.

ج. سحرخيزي

سحرخيزي و صبح زود به دنبال كار و تلاش رفتن از آداب زيبا و ارزشمند كارهاست. اين عمل پسنديده فوايد زيادي به دنبال دارد، به گونه‏اي كه اين ويژگي از يك‏سو، موجب مي‏شود تا انسان به موقع از خواب بيدار شود و پس از نماز صبح و توسّل، بار ديگر به رخت‏خواب برنگردد و به خواب بين‏الطلوعين (خواب بين طلوع صبح تا طلوع آفتاب)، كه مذمّت شده و ناشايست است، مبتلا نشود، و از سوي ديگر، با نيروي كافي و در فضاي مطبوع، و دل‏نشين صبح‏گاهي به دنبال كار و حرفه خود برود.

امام باقر عليه‏السلام در اين‏باره مي‏فرمايند: رسول خدا صلي‏الله‏عليه‏و‏آله همواره صبح زود و هنگام طلوع خورشيد از منزل خارج مي‏شدند.39

امام رضا عليه‏السلامبه خدمت‏كار خود مي‏فرمودند: صبح زود به دنبال عزّتت ـ يعني به دنبال كار و طلب روزي ـ برو.40

از اين دو حديث شريف، كه هر دو از زبان دو معصوم و وارسته و صاحب كمال جاري شده، استفاده مي‏شود كه صبح زود به دنبال كار رفتن از اهميت زيادي برخوردار است و كار و حرفه موجب عزّت و شخصيت انسان مي‏گردد.

د. تلاش در روز

زمان و وقتي را كه انسان براي فعاليت و تلاش انتخاب مي‏كند از اهميت ويژه‏اي برخوردار است. تلاش روزانه و كار و فعاليت در روز با طبيعت انسان سازگاري بيشتري داشته، با سلامتي و شادابي او ارتباط دارد. قرآن كريم به اين موضوع در آيات متعددي اشاره نموده و روز را زمان مناسب كار و تلاش معرفي كرده و شب را زمان مناسب براي خواب و استراحت بيان نموده است. در آيه 11 سوره مباركه «نبأ» مي‏فرمايد: «روز را به منظور تأمين معاش شما قرار داديم. و در آيه 47 سوره «فرقان» هم مي‏فرمايد: «او كسي است كه شب را براي شما لباس و خواب را مايه آرامش و استراحت، و روز را وسيله حركت و تلاش و كوشش شما قرار داد.

تحقيقات علمي و پژوهش‏هاي تجربي نيز ثابت كرده‏اند: خواب شبانه از خواب روزانه بهتر است و آرامش بيشتري ايجاد مي‏كند. در يك تحقيق ميداني، كه در يكي از بيمارستان‏هاي آلمان انجام شد، اين نتيجه به دست آمد كه خواب روز نمي‏تواند بي‏خوابي شب را جبران كند و خواب روز، حتي در اتاقي ساكت و بدون سر و صدا و تاريك، كه همه چيزش هم بهداشتي باشد، از نظر كيفيت، داراي مزايا و خصايص خواب شب نيست.41

ه . محكم‏كاري و دقت

توجه به كيفيت كار، چه از نظر مادي (استحكام و دقت) و چه از نظر معنوي (با اخلاص همراه بودن و در حدّ توانايي انجام وظيفه كردن) از اهميت ويژه‏اي برخوردار است. در منابع ديني، به دقت و محكم‏كاري در امور توجه ويژه‏اي شده و حتي براي آن پاداش اخروي لحاظ گرديده است. در روايتي كه از محضر نوراني پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آله، نقل شده است چنين مي‏خوانيم: خداوند متعال دوست دارد زماني كه يكي از شما كاري را انجام مي‏دهد محكم‏كاري كند.42 در سيره عملي پيامبر صلي‏الله‏عليه‏و‏آله، محكم‏كاري و دقت در آن به طور روشن و واضح تبلور دارد، به گونه‏اي كه پيامبر در چيدن سنگ‏هاي قبر و خشت‏هاي آن هم به محكم‏كاري توجه داشتند و وقتي مورد پرسش اطرافيان قرار گرفتند كه چرا اين‏قدر دقت مي‏كنيد و قبر چيز مهمي نيست، فرمودند: هر كاري مي‏كنيد آن را محكم و دقيق انجام دهيد.43

و. رعايت تعادل

هر موجود زنده‏اي براي ادامه حيات و زندگي، به تغذيه مناسب و استراحت و خواب نياز دارد. انسان نيز به عنوان يكي از مخلوقات خداوند، براي ادامه زندگي مادي، به تغذيه، فعاليت و استراحت نياز دارد. انسان علاوه بر نيازهاي مادي، به مسائل معنوي و روحي نيز احتياج دارد و حتي نيازهاي معنوي براي انسان ارزش مضاعف دارند؛ زيرا هدف از خلقت او، رسيدن به كمالات معنوي و تقرّب به خداي سبحان است.

در زندگي اجتماعي و خانوادگي، بايد طوري برنامه‏ريزي كرد كه در هر امر، حالت تعادل برقرار شود و بايد اوقات شبانه روز را به گونه‏اي تنظيم كرد كه نه در خوابيدن زياده‏روي شود و نه در كار و تلاش و حتي در عبادت؛ حتي مي‏توان به كارهاي عادي نيز رنگ عبادي و معنوي داد و آنها را با نيّت خالص و قصد قربت انجام داد و علاوه بر منفعت مادي، به منفعت معنوي آنها نيز رسيد.

در دستورات اخلاقي و ديني اسلام، به موضوع «تعادل» در مسائل زندگي توجه خاصي شده و دستورات هدايتگرانه‏اي وارد شده است. در روايتي كه از وجود ارزشمند اميرالمؤمنين علي عليه‏السلامنقل شده، چنين آمده است: مؤمن وقت خود را در شبانه‏روز سه قسمت تقسيم مي‏كند: در يك قسمت آن، به راز و نياز با خداي متعال و عبادت او مي‏پردازد؛ در قسمت ديگر، وسيله زندگي و مخارج زندگي را فراهم مي‏كند (كار و فعاليت)؛ در قسمت سوم، دنبال لذت حلال دنيا و زيبايي خلقت و تفريح مي‏رود.44

بر اساس اين روايت شريف، بايد اوقات خود را سه قسمت تقسيم كرد و مقداري از آن (مثلاً، هشت ساعت) را براي كار و فعاليت و تأمين نيازهاي زندگي و امرار معاش صرف كرد و مقداري را براي عبادت با پروردگار و جان جانان و خالق متعال هزينه نمود (كه البته خلوت با پروردگار و كرنش در مقابل او و نماز و دعا علاوه بر ترقّي معنوي و بالندگي روحي، در تقويت قواي رواني انسان نيز مؤثر است و موجب نشاط و شادابي مي‏شود) و مقداري از وقت شبانه‏روز را براي استراحت، لذت‏هاي حلال، ديد و بازديدها، حضور در جمع صميمي خانواده، بازي با بچه‏ها و مانند آنها قرار داد.

نكته‏اي كه نبايد از آن چشم‏پوشي كرد اين است كه ساعات كاري در دوره‏هاي گوناگون زندگي متفاوت خواهند بود و در مراحل ويژه‏اي از زندگي، بايد تلاش و فعاليت بيشتري داشت؛ مثلاً، در جواني بايد فعاليت و كار بيش از ميان‏سالي و پيري باشد، ولي در هر صورت، نبايد از استراحت و تفريح كافي و عبادت غافل بود.

آثار و بركات كار

كار و تلاش رمز بقا و سرزندگي همه جوامع انساني است. مردمي كه با تكيه بر توانمندي و ذخاير خداداد ملّي خويش، بر ضعف و فقر غلبه كرده‏اند، مايه خرسندي دروني و اقتدار خويش را فراهم ساخته‏اند. در سايه تدبير و تعقّل و برنامه‏ريزي و با تلاش، مي‏توان زمينه رشد تعالي و تكامل معنوي و مادي را فراهم ساخت و جهان هستي را مسخّر خود نموده، در پرتو فعاليت و تحرّك، به آباداني دنيا و آخرت خويش دست پيدا كرد. كار و فعاليت صحيح منشأ بسياري از موفقيت‏ها و دستاوردهاي مهم است و همچنين آثار و بركات گوناگوني در پي دارد. به نمونه‏هايي از آثار و بركات كار و تلاش اشاره مي‏شود:

الف. آثار روان‏شناختي

يكي از آموزه‏هاي مهم و يكي از عوامل اساسي در بهداشت روان و سلامتي روح، اشتغال به كار و تلاش مفيد و سازنده است. بيكاري، از كارافتادگي و يا انجام كار غيرمفيد يكي از مشكلات اساسي انسان در زندگي فردي و اجتماعي و از عوامل پريشاني و افسردگي است. بيكاري تنها ضربه اقتصادي به فرد و جامعه نمي‏زند، بلكه ضرر و خطر بزرگ‏تر آن معطوف به آسيب‏هاي روحي و رفتاري است؛ زيرا بيكاري انسان را از حيثيت و شخصيت واقعي و بهنجار خويش تنزّل مي‏دهد و او را از وقار و اعتماد به نفس، كه در پرتو كار و تلاش حاصل مي‏شود، مي‏اندازد. كار به انسان شخصيت مي‏دهد، عزّت و جوان‏مردي مي‏بخشد و حتي او را از آسيب‏ها مصون مي‏سازد.

امام موسي كاظم عليه‏السلامدرباره آثار تربيتي و روان‏شناختي كار مي‏فرمايند: از مردم قطع اميد كردن و از ثروتشان چشم پوشيدن و به درآمد كار و اشتغال خود قانع بودن، براي مرد با ايمان مايه عزّت ديني و روح جوان‏مردي و شرف دنيوي است. چنين انساني در نظر مردم بزرگ، و بين خويشان خود محترم، و در محيط خانوادگي داراي هيبت و عظمت خواهد بود. او در ضمير خود و در نزد ديگران، بي‏نيازترين و عزيزترين مردم است.45

شغل و حرفه باعث عزّت نفس و احساس هويّت در فرد شده، موجد ايده‏هاي خلّاق در فرد مي‏گردد. چه بسا افرادي در نقش دانشجو، دانش‏آموز و صنتعتگر احساس ارزشمندي مي‏كنند و در سايه تلاش و فعاليت، به شكوفايي استعداد و توانمندي خود نايل مي‏شوند و به دليل عدم احتياج مادي به ديگران، به عزّت نفس بالاتري دست يابند. در رباعي منسوب به حضرت علي عليه‏السلامچنين آمده است:

كدّ كدّ العبد ان احببتَ أن تصبح حُرّا

و اقطع الآمالَ مِن بني آدم طُرّا

لاَتقُل ذا مكسبٍ يزري فقصدُ النّاس أزري

انتَ ما استغنيتَ عن غيرك اعلي النّاس قدرا.46

(ترجمه:) اگر مي‏خواهي آزاد زندگي كني، مثل برده زحمت بكش و آرزويت را از مال هر كس كه باشد، قطع كن. نگو اين كار مرا پست مي‏كند؛ زيرا طلب كردن از مردم بيش هر چيز ذلّت مي‏آورد. وقتي از ديگران بي‏نياز باشي، از همه مردم بلندمرتبه‏تر هستي.

درباره اهميت كار و نقش آن در بهداشت رواني و آرامش روحي افراد جامعه، انديشمندان و نويسندگان صاحب‏نام مطالب ارزشمندي بيان كرده‏اند و حتي «كار درماني» را به عنوان روشي براي آرامش روح و روان انسان‏ها معرفي كرده‏اند. ولتر، نويسنده معروف، درباره اهميت كار و نقش روان‏شناختي آن مي‏نويسد:

هر وقت احساس مي‏كنم كه درد و رنج بيماري مي‏خواهد مرا از پاي درآورد به كار پناه مي‏برم و كار بهترين درمان دردهاي دروني من است.47

پاسكال مي‏گويد:

مصدر و منشأ كليه مفاسد فكري و اخلاقي بيكاري است، و هر كشوري كه بخواهد اين عيب بزرگ را رفع كند بايد مردم را به كار وادارد تا آرامش كلي در افراد جامعه برقرار شود.48

كار درماني، كه امروزه توسط روان‏پزشكان براي برخي بيماري‏هاي رواني توصيه مي‏شود، امر تازه‏اي نيست و در قرن‏هاي گذشته نيز سابقه داشته است. شايد بي‏علت نباشد كه پاستور، دانشمند معروف، گفته است:

بهداشت رواني انسان در آزمايشگاه و كتاب‏خانه است.49

شايد اين بدان دليل باشد كه در آزمايشگاه و در كتاب‏خانه، انسان به كار و نيروي تفكّر مشغول است و ناراحتي، و گرفتاري‏ها مجال جولان در ذهن پيدا نمي‏كنند و نمي‏توانند انسان را دچار ناراحتي روحي و رواني بسازند. بررسي‏هاي روان‏پزشكي نيز اين ادعا را ثابت كرده‏اند كه اگر كاري از روي علاقه و ذوق انجام شود، نوعي اعتماد به نفس و آرامش رواني ايجاد مي‏كند. پس از جنگ كره و ارتش آمريكا، مسئولان نظامي متوجه شدند كه اكثر قريب به اتفاق نظاميان در نتيجه وحشت و اضطراب حاصل از جنگ ، به انواع اختلالات رواني مبتلا شده‏اند. مسئولان امر و روان‏پزشكان بهترين راه مداوا را سرگرم كردن آنان به كار تشخيص دادند. پس از گذشت چند ماه، كوچك‏ترين اثري از پريشاني‏هاي روحي و عصبي آنها باقي نمانده بود.50

مطالعات تجربي نشان داده‏اند كه افراد بيكار در مقايسه با ديگران، از استقلال، و آرامش و سلامت رواني كمتري برخوردارند.51

ب. آثار معنوي كار

يكي از آثار ارزشمند و زيباي اشتغال و كار، فوايد معنوي آن است. كار و فعاليت علاوه بر آثار دنيوي و اقتصادي و رفاه اجتماعي، منشأ تكامل معنوي و رسيدن به پاداش اخروي مي‏گردد. كسي كه اهل تلاش و كار نيست بهره كمتري از اجر معنوي نصيبش مي‏شود. قرآن كريم مي‏فرمايد: براي انسان بهره‏اي جز سعي و كوشش او نيست. (نجم: 39) اين آيه مباركه به صراحت بيان مي‏كند كه بهره انسان و دستاورد او فقط در سايه تلاش و كوشش حاصل مي‏شود و بدون تلاش و فعاليت، نمي‏توان به منافع مادي و معنوي دست يافت.

در بينش اسلامي، انسان‏ها به سعي و تلاش در جهت نيل به اهداف مادي، معنوي و روحي ترغيب شده‏اند و سستي و اهمال‏كاري مذمّت گرديده است. كار و اداره اقتصادي خانواده در زمره جهاد و مبارزه در راه خدا تلقّي گرديده و براي آن پاداشي سترگ منظور شده52 و فقرِ پديد آمده از بيكاري و تنبلي منشأ بي‏ايماني تلقّي گرديده است. جزع و بي‏ثباتي در برابر مشكلات نكوهش شده و انسان منفعل و متأثّر از رويدادها ضعيف و ناقص معرفي شده و در مقابل، افراد تلاشگر مورد مدح و ستايش قرار گرفته‏اند.53 كساني كه توان كار دارند ولي مخارج خود را بر ديگران تحميل مي‏كنند ملعون54 خطاب شده‏اند.

پيامبر گرامي صلي‏الله‏عليه‏و‏آله در روايتي نوراني، كار و تلاش براي به دست آوردن روزي حلال را بهترين جزء عبادت شمرده، مي‏فرمايند: عبادت هفتاد جزء دارد كه بهترين آنها طلب روزي حلال و تلاش در راه كسب آن است.55

امام صادق عليه‏السلاممي‏فرمايند: جدّم، امام سجّاد عليه‏السلام، صبح زود براي طلب روزي از منزل خارج مي‏شدند. روزي كسي پرسيد: كجا تشريف مي‏بريد؟ فرمودند: مي‏روم تا به خانواده‏ام صدقه بدهم. آن شخص با تعجب پرسيد: صدقه به خانواده؟ فرمودند: هر كسي به دنبال كسب حلال برود و براي طلب مال و روزي حلال براي همسر و خانواده‏اش حركت كند، مصداق صدقه از جانب خداي سبحان است.56

تنبلي و بيكاري در آموزه‏هاي ديني مذمّت شده و آثار زيان‏باري بر آن مترتّب شده است. در حديثي از امام موسي بن جعفر عليه‏السلاممي‏خوانيم: خداوند انسان تنبل و پرخواب را مبغوض و افراد بيكار را دشمن دارد.57

در حديثي از امام باقر عليه‏السلام نيز چنين نقل شده است: به درستي كه من افراد تنبل و كسل را دوست ندارم و كسي كه در امور دنيوي كسل و بي‏حال باشد، در امور آخرتي، تنبل‏تر و بي‏حال‏تر است.58

فعاليت هدفمند و صحيح انسان را به شخصي متعادل در ابعاد معنوي، تربيتي، اجتماعي و خانوادگي تبديل مي‏كند و موجب مي‏شود در جنبه‏هاي مذكور، واقع‏بين، مردمدار، دلسوز، با تجربه، مسئول، باانگيزه و جامع باشد؛ زيرا كسي كه وارد عرصه‏هاي اقتصادي مي‏شود از يك‏سو، با زحمت و مشكلِ كار آشنا مي‏شود، و از سوي ديگر، به دليل تعاملات اجتماعي و ارتباطات كاري و شغلي، كه با ديگران دارد، از مشكلات مردم و نيازهاي آنان مطّلع مي‏گردد و در تأمين آنها اقدام مي‏كند و به رضايت خاطر و احساس آرامش نايل مي‏گردد.

شهيد مطهّري مي‏نويسد:

كار سازنده انسان و از عوامل تربيت‏كننده اوست.59

ارتباط انسان و كار، ارتباطي متقابل است؛ ضمن اينكه انسان آفريننده كار و فعاليت خود است، نوع كار انسان نيز سهم فراواني در تكوين شخصيت وي دارد. وقتي ابعاد گوناگون شخصيتي همچون اميرالمؤمنين علي عليه‏السلام را مورد مداقّه قرار دهيم، ملاحظه مي‏كنيم كه ايشان در عين آنكه زاهدترين فرد عصر خويش است، فعّال‏ترين آنها نيز هست. ايشان در عين اينكه بيشترين عبادت‏ها را در پيشگاه خداي خود دارد، ثمربخش‏ترين اوقات را نيز دارد. شهيد مطهّري مي‏نويسد:

شخصيت حضرت علي عليه‏السلام شخصيتي است كه جامع اضداد است. وقتي شب مي‏شود و خلوت شب فرامي‏رسد، هيچ عارفي به پاي او نمي‏رسد؛ آن روح عبادت كه جذب شدن و كشيده شدن به سوي حق و پرواز به سوي خداست، به شدت در او رخ مي‏هد... . روز كه مي‏شود، گويي اين شخص آن فرد قبلي نيست، با اصحابش كه مي‏نشيند، چنان چهره‏اش باز و خندان است كه خنده‏رويي از جمله اوصاف او تلقّي مي‏گردد.60

كار و اشتغال زمينه انحرافات اخلاقي و تربيتي را سد مي‏كند و جلوي انباشته شدن انرژي را، كه منشأ انحراف است، مي‏گيرد و آن را مهار مي‏كند. بيكاري و فراغت مطلق زمينه ايجاد انحرافات اخلاقي را به وجود مي‏آورد و بر خلاف اشتغال، بستر گناه را آماده مي‏سازد. بيكاري و نبود اشتغال در عين حال كه موجب سرگرداني و بلاتكليفي انسان‏ها مي‏شود، به تدريج موجب سرخوردگي و يأس آنان مي‏گردد و موجب مي‏شود تا آنها به كنج خلوت و انزوا پناه ببرند و راهي براي مشغوليت خود بجويند. اين مشغوليت در بسياري از موارد، به انحرافات اخلاقي، به ويژه انحرافات جنسي در نوجوانان و جوانان، منجر مي‏شود. بيكاري منشأ پايين آمدن عزّت نفس در جوانان مي‏گردد و كسي كه از عزّت نفس پايين برخوردار باشد به گناه گرايش بيشتري دارد و در مقابل، كساني كه داراي عزّت نفس و حرمت بالايي هستند كمتر به طرف انحرافات گرايش دارند.

موريس روزنبرگ، يكي از روان‏شناسان، خاطرنشان مي‏كند كه يكي از مهم‏ترين عوامل تعيين‏كننده رشد حرمت خود و شخصيت نوجوان اين است كه تا چه حد با ديگران و محيط اجتماعي سازگاري دارد، و تا چه حد از مقبوليت و محبوبيت برخوردار است.61

كسي كه داراي شغل و حرفه است، از مقبوليت و محبوبيت بيشتري برخودار است و نزد خود، حرمت بالايي دارد. حضرت علي عليه‏السلامدرباره آفات معنوي و تربيتي بيكاري و نداشتن برنامه براي اوقات فراغت مي‏فرمايند: اگر ذهن و قلب انسان، رها و بدون برنامه باشد به وسوسه‏هاي بد و شيطاني گرفتار مي‏شود، و اگر فعاليت‏هاي جسماني و بدني در انسان دچار ركود و تنبلي شوند، راه براي ارتكاب گناهان باز خواهد شد.62 در اين حديث، حضرت علي عليه‏السلامتوصيه مي‏كنند: اگر مي‏خواهيد به دام گناه و انحراف دچار نشويد اوقات فراغت و بيكاري خود را پر كنيد و ذهن و جسم را به فعاليت مفيد و ارزشمند مشغول سازيد.

ج. آثار اقتصادي

همه ما ـ غير از افرادي كه ثروت زيادي به ارث مي‏برند يا هديه مي‏گيرند ـ ناچاريم براي تأمين زندگي خود كار كنيم، چه اين كار براي ما لذّت داشته باشد و چه نداشته باشد. ما براي تأمين نيازهاي ضروري زندگي خود، همسر و فرزندانمان، كار و تلاش مي‏كنيم. در اين روزگار، به ندرت ممكن است به كسي برخورد كنيم كه خوراك، پوشاك، مسكن و ساير احتياجات خود را مجاني به دست آورد. بنابراين، تمام افراد به نوعي با كار و اشتغال سرو كار دارند و براي تأمين خواسته‏هاي زندگي خود، كوشش مي‏كنند. كار علاوه بر اينكه موجب رفع نيازهاي اقتصادي انسان مي‏شود، در شكوفايي جامعه نقش اساسي دارد. جامعه‏اي كه اعضاي آن اهل تلاش و فعاليت هستند جامعه‏اي سرزنده، فعّال، ثروتمند و قدرتمند است، و در مقابل، جامعه‏اي كه افراد آن بي‏انگيزه، تنبل و بيكار باشند جامعه‏اي فقير، نيازمند و بي‏تحرّك است.

حضرت علي عليه‏السلام درباره سرانجام بيكاري و تنبلي فرمودند: آن‏گاه كه پديده‏ها با يكديگر جفت و جور شدند، تنبلي و ناتواني نيز در كنار هم قرار گرفتند و فقر و تنگ‏دستي را پديد آوردند.63 در اين روايت، فقر پديده‏اي منفي، و بيكاري عامل و منشأ آن معرفي شده است، و بيكاري و تنبلي، كه عامل فقر هستند، نيز مذمّت شده و ناپسند تلقّي گرديده‏اند.

قرآن كريم ضمن دعوت به تلاش و فعاليت، به آثار اقتصادي آن و اينكه تلاش و كار موجب آباداني زندگي مادي و به وجود آمدن لذت‏هاي دنيوي مي‏شود، اشاره نموده، مي‏فرمايد: او (خداوند) كسي است كه دريا را مسخّر (شما) ساخت تا از آن صيد كنيد و گوشت تازه بخوريد و از زيورهاي آن (مانند در و مرجان) استخراج كنيد و بدان خود را بياراييد و كشتي‏ها را مي‏بينيد كه سينه دريا را مي‏شكافند تا شما به تجارت بپردازيد و از فضل خداوند بهره گيريد. (نحل: 14)

در آيه ديگري مي‏فرمايد: ما شب و روز را روشني‏بخش ساختيم تا فضل پروردگار را در پرتو آن بطلبيد و به تلاش و فعاليت بپردازيد. (اسراء: 11)

كار و تلاش سبب آباداني زندگي دنيوي و رفاه اجتماعي شده، اقتدار اقتصادي جامعه اسلامي را در پي دارد. كار علاوه بر آثار اقتصادي، پاداش اخروي و ارزش والايي نيز مي‏تواند داشته باشد.

حضرت علي عليه‏السلام در دو فرمايش گران‏قدر، ضمن اشاره به آثار اقتصادي كار و اينكه منشأ آسايش و رفاه خانواده مي‏شود، به آثار معنوي و اجر اخروي آن نيز توجه داده، فرموده‏اند: هيچ تلاش صبح‏هنگامي در راه خدا، به فضيلت كار در جهت رفاه و آسايش فرزند و خانواده نمي‏رسد.64

همچنين در جاي ديگر فرمودند: كسي كه از سر دل‏سوزي براي پدر يا فرزند يا همسر، به دنبال امر دنيايش باشد، در قيامت چهره‏اش‏مانندماه شب چهارده است.65

حضرت علي عليه‏السلام خودشان به عنوان ابرمرد بي‏همتاي تاريخ و رهبر مسلمانان، در كار و تلاش، نهايت جديّت را داشتند و نخلستان‏هاي زيادي را با دستان مباركشان، به وجود آوردند و در راه خدا وقف نمودند و حتي چاه‏هايي را براي به دست آوردن آب، حفر كردند و درختاني را به دست مبارك خود، آبياري نمودند. در روايتي نوراني، كه درباره آن حضرت نقل شده، آمده است: خودشان كار و تلاش مي‏كردند، زمين را زراعت مي‏كردند، آب مي‏دادند و نخل مي‏كاشتند و همه اينها را خودشان مستقيما انجام مي‏دادند.66

د. آثار اجتماعي

يكي از زمينه‏هاي انجام گناه و رفتارهاي نابهنجار در انسان، بيكاري است. بيكاري و تنبلي به عنوان يك پديده شوم، مصايب و مشكلات فراواني براي افراد و اجتماع به وجود مي‏آورد. اولين ثمره تلخ و زودرس بيكاري، فقر و تهي‏دستي است؛ پديده ناميموني كه از آن به «مرگ بزرگ»67 تعبير شده و موجب مي‏شود انسان‏هاي فقير و درمانده به اعمال خلافي مثل دزدي، تجاوز، خودفروشي و بي‏عفّتي مبادرت ورزند و از طريق همكاري با افراد بزه‏كار و خلاف‏كار، زمينه متلاشي شدن خانواده و در نتيجه، ناهنجاري اجتماعي را پديد آورند.

دومين ثمره بيكاري، انباشته شدن انرژي فراوان در درون جوان است كه به راحتي او را به انحرافات اخلاقي سوق مي‏دهد. اگر زمينه مصرف انرژي و متراكم جواني از طريق كار و اشتغال ايجاد شود، جوان به تعادل و آرامش مي‏رسد. در سخني حكيمانه آمده است: اگر نفس را به كاري مشغول نكني، تو را به خودش مشغول مي‏كند.68

در روايتي به نقل از حضرت علي عليه‏السلامآمده است: اگر سرگرم شدن به كاري موجب سختي و رنج است، پس فراغت هميشگي موجب فساد و تباهي است.69

فقر به عنوان يكي از نتايج قهري بيكاري، نقش قابل توجهي در زمينه‏سازي براي بزه‏كاري و جرم و ناهنجاري‏هاي اجتماعي دارد. فقر مي‏تواند به طور مستقيم و غيرمستقيم فضيلت‏هاي اخلاقي جوامع انساني را نابود كند و استعدادهاي انسان‏ها را تباه سازد. در تحقيقات تجربي و ميداني، كه توسط محققان جامعه‏شناس انجام گرفته، اين نتيجه به دست آمده است كه بين فقر و بزه‏كاري ارتباط زيادي وجود دارد و فقرْ زمينه‏ساز جرايم اجتماعي مثل سرقت، خودفروشي، توزيع مواد مخدّر و مانند آن است.70

برخي از نويسندگان بر اين نكته تأكيد دارند كه مشكلات اقتصادي، موجد ناامني فضاي خانواده‏ها مي‏شود؛ زيرا آينده مبهم و نامعيّن بر دستگاه رواني كودكان فشار مي‏آورد و بر آنان اثر نامطلوب مي‏گذارد. احساس ناامني و ابهام ايجادكننده ناپايداري و در نتيجه، ناسازگاري است و بزه‏كاري ناشي از آنها به خاطر عدم تعادل و بروز اختلال در منش است.71 در آموزه‏هاي ديني و اسلامي، به مباحث ارزشمند و دقيقي در رابطه با ارتباط فقر و ناهنجاري اجتماعي اشاره شده است.

حضرت اميرالمؤمنين علي عليه‏السلام خطاب به فرزند بزرگوارشان امام حسن مجتبي عليه‏السلاممي‏فرمايند: فرزندم! انساني را كه به دنبال روزي و رزق خويش است، ملامت مكن؛ زيرا كسي كه هيچ ندارد لغزش‏هايش بسيار خواهد بود.72

حضرت علي عليه‏السلامدر ادامه همين روايت، تحليل جامعي ارائه داده‏اند كه تبيين‏كننده ارتباط فقر با كاهش اعتبار اجتماعي و تنزّل جايگاه اجتماعي است كه هر كدام در بسترسازي جرم و بزه‏كاري نقش دارند؛ حضرت مي‏فرمايند: پسرم! فقير، حقير شمرده مي‏شود و كسي به حرفش توجه نمي‏كند و جايگاهش مورد غفلت واقع مي‏شود. فقير اگر راست هم بگويد تصور مي‏كنند دروغگوست؛ اگر زهد داشته باشد او را جاهل خطاب مي‏كنند. پسرم! كسي كه به فقر مبتلا باشد به چهار خصلت گرفتار مي‏شود: ضعف در يقين، نقصان در عقل، كم‏ديني و كم‏حيايي در صورت.73

پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آله مي‏فرمايند: فقر موجب روسياهي انسان در هر دو دنياست، و فقر ممكن است انسان را به كفر بكشاند.74

بعضي افراد به علت ضعف روح و ضعف اراده، قدرت تحمّل فقر را ندارند و در زندگي دنيوي، براي رفع آن به راه‏هاي نامشروع و ناپسند و به تعبيري، بزه‏كاري روي مي‏آورند. وقتي فقر مي‏تواند منشأ كفر و بي‏ديني باشد، بدون ترديد، منشأ جرم و ناهنجاري نيز خواهد شد.

سخن بلند اميرالمؤمنين علي عليه‏السلام، كه خطاب به محمّدبن حنفيه فرمودند در اين رابطه، قابل دقت و تأمّل جدّي است: پسرم! من بر تو از تنگ‏دستي مي‏ترسم. پس از شر آن به خدا پناه ببر كه تنگ‏دستي موجب شكست و نقصان دين‏است وموجب‏سرگرداني و سبب دشمني.75

فقر ممكن است فقير را به جنايت، دروغ، خواري و اعمال نكوهيده ديگري وادارد كه همه موجب نقص در دين مي‏شوند. فقيرِ ناشكيبا راه راست را گم مي‏كند و در كار خود، عقلش حيران و انديشه‏اش سرگردان مي‏شود. همچنين فقر موجب دشمني است؛ چون مردم از فقير دوري مي‏گزينند و با او طرح دوستي نمي‏ريزند. فقر موجب تنزّل شخصيت و بي‏اعتباري اجتماعي مي‏شود و كسي كه از نظر اجتماعي بي‏ارزش باشد، زمينه جرم و خلاف‏كاري در او زياد مي‏گردد. از اين‏رو، در مباحث روان‏شناحتي، تلاش مي‏شود شخصيت به هم ريخته بزه‏كار ترميم شود تا زمينه جرم برطرف گردد.

حضرت علي عليه‏السلامدر رابطه با ارتباط فقر و منزلت جايگاه اجتماعي مي‏فرمايند: خدايا! آبروي مرا با توانگري نگاه‏دار و شخصيت مرا به تنگ‏دستي از بين مبر!76

از مجموعه رواياتي كه در رابطه با فقر مطرح شدند، اين نتيجه به دست مي‏آيد كه فقر موجب نابودي شخصيت، شكوفا نشدن استعدادها، و ركود فضيلت‏هاي اخلاقي و ديني انسان‏ها مي‏شود. همچنين ضعف اقتصادي زمينه‏ساز ضعف فكري، فرهنگي، اجتماعي و سياسي مي‏گردد. همه اينها زمينه‏ساز انحرافات اجتماعي هستند. بنابراين، بايد با تلاش و كوشش فراوان و با اشتغال مفيد، بر فقر غلبه كرد و زمينه انحرافات اجتماعي را از بين برد.

نكته‏اي كه توجه بدان لازم است اينكه اولاً، اگر چه فقر مي‏تواند منشأ كارهاي خلاف شود، ولي ثروت زياد نيز اگر در اختيار افراد نالايق و ناشايست قرار گيرد، به مراتب تبعات بدتري از فقر خواهد داشت. ثانيا، گرچه در بسياري از روايات، از فقر مذمّت شده، ولي اگر فقيري بر خدا توكّل داشته باشد و اراده‏اش را تقويت كند و به دستورات ديني ملتزم باشد و تلاش و كوشش متعادل داشته باشد و اگرچه به ثروت هم نرسد ولي وظايف الهي را فراموش نكند، به جايگاه معنوي بلندي نايل مي‏شود و چنين اشخاصي در روايات اسلامي، مورد مدح و ستايش قرار گرفته‏اند؛ زيرا اينها كوتاهي نكرده و به وظايف اجتماعي، شغلي، ديني و الهي خود عمل كرده‏اند، اگرچه بنا به دلايلي به فقر گرفتارند.

حضرت محمّد صلي‏الله‏عليه‏و‏آلهدرباره مقام و منزلت فقراي با ديانت و مؤمن مي‏فرمايند: درهاي بهشت به سوي فقرا باز و گشوده است.77

همچنين فرمودند: خدايا مرا با فقر زنده بدار و با فقر بميران و مرا با فقرا و مساكين محشور كن.78

نتيجه‏گيري

كار و اشتغال، در زندگي نقشي اساسي و سازنده دارد و آثار تربيتي، روان‏شناختي، معنوي، اقتصادي و اجتماعي آن بر كسي پوشيده نيست. و اگر شغل مطابق آموزه‏هاي ديني و با رعايت حدود الهي و دستورات شرع مقدّس انجام شود، عبادت تلقّي شده، موجب كمال معنوي انسان مي‏گردد و همچنين در پويايي شخصيت و اقتدار اجتماعي او، نقش قابل توجهي دارد. اشتغال منشأ آرامش روحي، اعتماد به نفس و عزّت نفس است و انسان را به شخصيتي متعادل، پويا و خلّاق مبدّل مي‏كند. حرفه و شغل باعث قدرت اقتصادي بالا و در نتيجه، احترام اجتماعي مي‏شود. نبود شغل و حرفه موجب فقر اقتصادي مي‏شود و فقر اقتصادي منشأ انحرافات اجتماعي، اخلاقي و خانوادگي مي‏گردد.

پى نوشت ها

1ـ «اعتماد به نفس» يعنى اينكه احساس كند داراى توانايى و كفايت است. (مايستون استفانى، معجزه تشويق، ترجمه توراندخت، تهران، علمى، 1375، ص 19.)

2ـ «عزّت نفس»، ميزان ارزشى است كه ما براى خود قايل هستيم. همان

3ـ بهروز ميلانى‏فر، بهداشت روانى، چ چهارم، تهران، 1374، ص 198.

4ـ اسماعيل بيابانگرد، روش‏هاى افزايش عزّت نفس در كودكان و نوجوانان، تهران، انجمن اوليا و مربّيان جمهورى اسلامى ايران، 1378، ص 121.

5ـ مرتضى مطهّرى، تعليم و تربيت در اسلام، قم، صدرا، 1371، ص 410.

6ـ جعفر سبحانى، رمز پيروزى مردان بزرگ، قم، نسل جوان، 1375، ص 18.

7ـ همان، ص 22.

8ـ مرتضى مطهّرى، پيشين، ص 430.

9ـ همان.

10ـ بهروز ميلانى‏فر، پيشين، ص 200.

11ـ كمال‏الدين ميرحسين ميبدى يزدى، شرح ديوان منسوب به على عليه‏السلام، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، 1379، ص 636.

12ـ شيخ حرّ عاملى، وسائل‏الشيعه، قم، مؤسسة آل‏البيت، 1412، ج 17، ص 13، ب 1، ح 13.

13ـ محمّد محمّدى رى‏شهرى، ميزان الحكمه، قم، دارالحديث، 1416، ج 4، ص 2992، ح 19373.

14ـ همان، ح 19372.

15ـ محمّدباقر مجلسى، بحارالانوار، بيروت، مؤسسة الوفاء، 1403، ج 2، ص 17، ب 8، ح 41.

16ـ همان، ص 15، ب 8، ح 29.

17ـ همان، ص 25، ب 8، ح 82.

18ـ شيخ حرّ عاملى، پيشين، ج 17، ص 12، ب 2، ح 12.

19ـ همان، ح 11 / محمّدبن يعقوب كلينى، الفروع من الكافى، تهران، دارالكتب الاسلاميه، 1350، ج 5، ص 149، ح 9.

20ـ نور: 37.

21ـ محمّد محمّدى رى‏شهرى، پيشين، ج 1، ص 325، ح 2034.

22ـ همان، ص 328، ح 2075.

23ـ همان، ص 329، ح 2076.

24ـ همان، ص 328، ح 2069 و 2070

25ـ محمّدبن يعقوب كلينى، پيشين، ج 5، ص 261، ح 7.

26ـ شيخ حرّ عاملى، پيشين، ج 11، ص 35، ب 3، ح 10.

27ـ همان، ج 2، ص 11، ب 1، ح 24.

28ـ محمّدبن يعقوب كلينى، پيشين، ج 5، ص 260، ح 6.

29ـ منظور از «پزشكى» تمام زيرمجموعه طبابت و درمانگرى است؛ مثل پزشكى، روان‏پزشكى، دندان‏پزشكى، روان‏شناسى و مانند آن.

30ـ محمّدباقر مجلسى، پيشين، ج 1، ص 220، ح 52.

31ـ همان، ج 75، ص 235، ح 59.

32ـ همان، ج 100، ص 9، ح 40.

33ـ همان، ص 10، ح 45.

34ـ همان، ج 55، ص 226، ب 10، ح 7.

35ـ امام خمينى، تحريرالوسيله، تهران، اعتماد، 1366، ج 2، ص 7.

36ـ محمّدباقر مجلسى، پيشين، ج 69، ص 229، ب 116، ح 35.

37ـ همان، ج 68، ص 338، ب 83، ح 1.

38ـ همان، ح 4.

39ـ همان، ج 5، ص 145، ب 5، ح 1.

40ـ محمّدبن يعقوب كلينى، پيشين، ج 5، ص 149.

41ـ ام. رابين ديماتئو، روان‏شناسى سلامت، ترجمه محمّد كاويانى و همكاران، تهران، سمت، 1378، ج 1، ص 405.

42ـ محمّد محمّدى رى‏شهرى، پيشين، ج 7، ص 29.

43ـ محمّدباقر مجلسى، پيشين، ج 22، ص 157، ح 16.

44ـ نهج البلاغه، ترجمه مصطفى زمانى، قم، پيام اسلام، 1366، ص 1014، ح 396.

45ـ محمّدباقر مجلسى، پيشين، ج 72، ص 108، ب 49، ح 11.

46ـ كمال‏الدين ميرحسين ميبدى يزدى، پيشين، ص 636.

47ـ بهروز ميلانى‏فر، پيشين، ص 199.

48ـ همان.

49ـ همان.

50ـ همان، ص 200.

511. Gerald C. Davison, Abnormal Psychology, New York, Johnwiley, 2001, p. 191-207.

52ـ مرتضى فريد، الحديث روايات تربيتى از مكتب اهل‏بيت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامى، 1366، ج 3، ص 8، ح 6 و 3.

53ـ شيخ حرّ عاملى، پيشين، ج 17، ص 24، ح 16.

54ـ همان، ص 32، ح 10.

55ـ شيخ حرّ عاملى، پيشين، ج 17، ص 24، ح 15.

56ـ همان، ص 67، ح 4.

57ـ همان، ص 58، ح 4.

58ـ همان، ص 59، ح 1.

59ـ مرتضى مطهّرى، پيشين، ص 410.

60ـ همو، انسان كامل، قم، صدرا، 1367، ص 54.

61ـ اسماعيل بيابانگرد، پيشين، ص 121.

62ـ ابن ابى‏الحديد، شرح نهج‏البلاغه، قم، مكتبة آيه‏اللّه المرعشى النجفى، 1404، ج 20، ص 303.

63ـ محمّدبن يعقوب كلينى، پيشين، ج 5، ص 86.

64ـ محمّد محمّدى رى‏شهرى، موسوعه‏الامام على‏بن ابى‏طالب، قم، دارالحديث، 1421، ج 4، ص 169، ح 1446.

65ـ همان، ص 170، ح 1447.

66ـ همان، ح 1452.

67ـ محمّدباقر مجلسى، پيشين، ج 10، ص 99، ب 7، ح 1.

68ـ ورّام‏بن ابى فراس، تنبيه الخواطر و نزهة النواظر، تهران، دارالكتب‏الاسلاميه، 1376ق، ج 2، ص 134.

69ـ همان، ج 74، ص 421.

70ـ مرتضى محسنى، كليات حقوق جزاء، تهران، دانشگاه ملّى ايران، 1370، ج 1، ص 96 و 217.

71ـ مهدى كى‏نيا، مبانى جرم‏شناسى، تهران، دانشگاه تهران، 1370، ج 2، ص 187.

72ـ محمّدباقر مجلسى، پيشين، ج 69، ص 69، ب 94، ح 58.

73ـ همان.

74ـ همان، ج 69، ص 30، ب 94، ح 26.

75ـ نهج‏البلاغه، ص 982، حكمت 325.

76ـ همان، ترجمه علينقى فيض‏الاسلام، تهران، فقيه، 1367، ص 716.

77ـ محمّدباقر مجلسى، پيشين، ج 69، ص 46، ب 94، ح 57.

78ـ همان.